دوماهنامهٔ جستارهای زبانی
د۸، ش۲ (پیاپی ۳۷)، خرداد و تیر ۱۳۹٦، صص۱-۲٤

بررسی تأثیر عناصر دستوری و وام‌واژه‌های زبان فارسی بر زبان کشمیری

نصیرعلی صوفی[۱]، سعید بزرگ بیگدلی[*۲]، غلامحسین غلامحسین‌زاده[۳]

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۳. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۹۵/۲/۵ پذیرش: ۹۵/٦/۱

چکیده

زبان کشمیری از گروه زبان‌های «داردی» از خانوادهٔ زبان‌های هندوایرانی است که در درهٔ کشمیر و نواحی آن رواج دارد. .به دلیل تماس طولانی‌مدت این زبان با زبان فارسی از سدهٔ چهاردهم تا سدهٔ نوزدهم میلادی، زبان فارسی هم از لحاظ ادبی و هم از نظر زبانی تأثیری عمیق بر آن گذاشته است. این تأثیر را می‌توان در سه بخش *وام‌گیری واژگانی*، *تغییرات واجی* و *وام‌گیری دستوری* مورد بررسی قرار داد. هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان نفوذ زبان فارسی از لحاظ عناصر دستوری و وام‌واژه‌ها در زبان کشمیری بوده است که با استفاده از منابع موجود و پژوهش‌های پیشین برای تأیید و آشکار کردن پیوندهای فرهنگی ایران و کشمیر از زمان‌های کهن و در دوره‌های تاریخی مختلف انجام شده است. نوآوری این پژوهش در این امر نهفته است که نفوذ و تأثیر بنیادین زبان فارسی بر کشمیری را مورد بررسی قرار می‌دهد و اشاره می‌کند که این تأثیر به دلیل نفوذ اسلام در این سرزمین توسط عارفان و مبلّغان مسلمان صورت گرفته است. دستاوردهای پژوهش حاکی از آن است که نفوذ زبان فارسی علاوه بر وام‌گیری واژگانی، در ژرف‌ساخت زبان کشمیری باعث تحولاتی در ساخت‌های دستوری شده است و اگر این تأثیر با توجه به دلایلی که ذکر شده است، ادامه پیدا می‌کرد، چه‌بسا جایگزین زبان کشمیری می‌گردید. هدف از انجام این پژوهش، بررسی وام‌واژه‌های زبان فارسی در زبان کشمیری، تحولات معنایی این واژه‌ها و همچنین تغییرات واجی وام‌واژه‌ها و بررسی میزان نفوذ زبان فارسی در عناصر و ساخت‌های دستوری این زبان است.

واژگان کلیدی: زبان فارسی، زبان کشمیری، وام‌واژه، وام‌گیری دستوری.

---

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: bozorghs@modares.ac.ir

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

۱. مقدمه

نفوذ ایران در سرزمین کشمیر و همچنین در فراسوی مرزهای این منطقه، پدیده‌ای است که از سده‌های دور گذشته وجود داشته است. کتیبه‌هایی که به زبان‌های سغدی، پهلوی اشکانی و فارسی میانه نوشته شده‌اند، تماس بین مردمان کشمیر و اقوام ایرانی را در دوران پیش از اسلام نشان می‌دهند (Sims-Williams, 1989: 47; Jetmmar, 1991: 401-403).

فارسی نو در دوران حکومت سلسله شاهمیری (۱۳٤۹–۱۵٦۱م) در درهٔ کشمیر گسترش یافت. علاقه به زبان فارسی توسط شهاب‌الدین شیراشامک (۷۳–۱۳۵٤م) آغاز شد و در زمان پادشاهی سلطان زین‌العابدین (۷۰–۱٤۲۰م) رونق یافت. از آن زمان به بعد، تلاش پیوسته برای آموزش زبان فارسی، در دسترس بودن کاغذ باکیفیت و نیز مهاجرت پیوستهٔ دانشمندان ایرانی به کشمیر باعث شد این سرزمین با عنوان «ایران صغیر» نامیده شود (رادفر، ۱۳۸۵: ١٤).

پیوندی نزدیک بین ورود زبان فارسی به منطقهٔ کشمیر و گسترش اسلام در آنجا وجود دارد. میرسیدعلی همدانی (۷۱٤–۷۸٦ ه.ق / ۱۳۱۲–۱۳۸٤م) از عارفان ایرانی و همچنین از بزرگان سلسلهٔ کبرویه است که سهم بسزایی در گسترش اسلام در کشمیر داشته است. (سبحانی، ۱۳۷۷: ۲۷). اگرچه علاقه به یادگیری زبان فارسی با گسترش دین اسلام پیوندی تنگاتنگ دارد، ولی از همان آغاز، برهمن‌ها، سیک‌ها[۱] و پاندت ها [۲] در کنار دانشمندان مسلمان به یادگیری زبان و ادب فارسی علاقه نشان دادند و دیگر مردمان کشمیر را به یادگیری آن تشویق می‌کردند. آن‌ها همچنین از زبان فارسی در نوشته‌های علمی و ادبی خود بهره می‌گرفتند. بسیاری از شاعران کشمیری همانند جولا پرشاد آذر، پندت مست رام بقا، پندت لسه گول بهار، پندت تابه رام ترکی بیتاب و غیره، هم به زبان فارسی و هم به زبان کشمیری شعر سرودند (Hadi, 1995: 47-51).

سلطان زین‌العابدین شاهمیری در گسترش زبان و ادب فارسی کوشش‌های بسیاری نمود؛ از جمله بنیان نهادن دارالترجمه‌ای بود که در آن دانشمندان ایرانی به ترجمهٔ بسیاری از کتاب‌های هندی به زبان فارسی همت گماشتند. در میان نخستین متن‌های نوشته‌شده، ترجمه‌ای از *مهابهارته* موجود است که کهن‌ترین ترجمهٔ این اثر حماسی به زبان فارسی است و همچنین کتاب *راج‌ترنگینی*[۳] در زمینهٔ تاریخ کشمیر به زبان سنسکریت است که در زمان پادشاهی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

زین‌العابدین شاهمیری به فارسی برگردانده شده است (Stein, 2007: 28). ترجمهٔ این دو اثر از زبان سنسکریت به فارسی به ملا احمد کشمیری منسوب است(Hadi, 1995: 93).

از سدهٔ چهاردهم میلادی به بعد، زبان فارسی تأثیر فراوانی بر اندیشمندان و جویندگان دانش در درهٔ کشمیر داشته است. از آنجا که زبان فارسی زبان تبلیغ دین اسلام در کشمیر بود، پادشاهان سلسلهٔ شاهمیری آن را به‌عنوان زبان رسمی درباری برگزیدند(Weber,2012: 52). تا سدهٔ نوزدهم میلادی، زبان فارسی زبان اصلی در نگارش آثار ادبی و علم‌آموزی بوده است. تا به امروز نیز زبان فارسی جایگاه والای خویش را در سرزمین کشمیر به‌عنوان زبان دارای فرهنگ غنی حفظ کرده است (Bamzai, 1973: 139). ازاین‌رو، حاج قدرت‌الله بیگ در سال ۱۹۸۰م کتاب تاریخ محلی، *تاریخ عهد عتیق ریاست هنزه* را در هنزه[٤] به زبان فارسی منتشر کرده است.

زبان فارسی تا نخستین روزهای پادشاهی پادشاهان سلسلهٔ دوگرا در سال ۱۸٤٦م همچنان زبان رسمی درباری بود. سپس در سال ۱۸۸۹م به دلیل این‌که بیشتر درباریان از اهالی پنجاب بودند، زبان اردو جایگزین آن شد. درنتیجهٔ آن، در سال ۱۹۱۱م زبان فارسی دیگر در مدارس به‌عنوان زبان تحصیل از رواج افتاد. حتی در سدهٔ ۲۰ م تهیه کردن رونوشتی از کتاب‌های خطی فارسی توسط خطاطان رایج بود؛ اما امروزه دیگر از رواج افتاده است. با این وجود، زبان فارسی و میراث تاریخی آن هنوز در محافل ادبی و علمی گرامی داشته می‌شود. برای مثال می‌توان به نشریه‌ای که هرساله در گروه زبان و ادب فارسی دانشگاه کشمیر با عنوان «دانش»- که شامل مقاله‌های ادبی به زبان‌های اردو، فارسی و انگلیسی منتشر می‌شود- اشاره نمود. نگارش کتاب *تاریخ عهد عتیق ریاست هنزه* به زبان فارسی نشان می‌دهد که هنوز زبان فارسی جایگاه والایی در کشمیر دارد و بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ اندیشمندان آن جامعه است. حال با توجه به تأثیری که زبان فارسی طی سده‌های متوالی بر فرهنگ، تمدن و زبان کشمیری گذاشته، در این پژوهش کوشش شده است از دیدگاه تحولات زبانی به این سؤالات پاسخ داده شود که:

۱. این تأثیر از منظر وام‌واژه‌های فارسی در زبان کشمیری چگونه بوده است؟

۲. شامل چه تغییرات آوایی و معنایی شده‌اند؟

نتیجهٔ بررسی‌ها نشان می‌دهد که این وام‌واژه‌ها در زبان کشمیری در طی زمان دچار تحول و تغییر گردیده‌اند و نمونه‌های فراوانی که در این مقاله آورده شده است، گواه اثبات این مدعاست.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

۲. پیشینهٔ تحقیق

نخستین کسی‌که به‌صورت علمی به تأثیر زبان فارسی بر زبان کشمیری اشاره کرد، گریرسون[۵] در *زبان‌های پیشاچا*[۶] *شمال غربی هند* (1906) و در *واژه‌نامهٔ زبان کشمیری* (1985) بود. پس از وی، بلَک[۷] در *داردی و رومانی* (1916) اشاره‌ای به واژه‌های زبان فارسی در کشمیری نموده است. مورگنشتیرنه در واج‌شناسی کشمیری (1941) به تأثیر نظام واجی زبان فارسی در واج‌شناسی کشمیری نیز پرداخته است. کاچرو[۸] در *کشمیری و دیگر زبان‌های داردی* (1969) نکته‌هایی را در مورد وام‌گیری زبان کشمیری از فارسی آورده است. ماسیکا در *زبان‌های هندوآریایی* (1991) به بررسی تاریخی و تکاملی زبان‌های داردی پرداخته و زبان‌هایی (سنسکریت، انگلیسی، فارسی و...) که بر آن‌ها تأثیر گذاشته‌اند را در بخشی جداگانه بررسی کرده است. کول[۹] از زبان‌شناسان پرکار در زمینهٔ زبان و زبان‌شناسی کشمیری است. او در آثار خود (1984; 2002 & 2005)- چنان‌که در بخش‌های بعدی خواهد آمد- نفوذ زبان فارسی در دستور و واژگان را مطالعه و بررسی کرده است. کول از آن جهت که آشنایی کاملی با زبان فارسی نداشته، در برخی موارد به خطا رفته است و بسیاری از نکات، همانند بررسی تحولات و تغییرات واج‌شناختی وام‌واژه‌های فارسی در کشمیری و متمایز نکردن وام‌وندهای دستوری (پیشوندها و پسوندها) فارسی در کشمیری را ناگفته باقی گذاشته است. او همچنین وام‌واژه‌های فارسی در کشمیری را فقط دسته‌بندی کرده و شماری از وام‌واژه‌ها را در سه سیاق قرار داده است که در بخش‌های بعدی به آن اشاره خواهد شد؛ ضمن این‌که آن‌ها را از دیدگاه معناشناسی هم‌زمانی و درزمانی نیز بررسی نکرده است. بنابراین در این پژوهش، کوشش نویسندگان بر این است تا این کاستی‌ها برطرف شود و تأکید بیشتر بر نکته‌های ناگفته و بررسی‌نشده است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش به‌منظور بررسی وام‌واژه‌های زبان فارسی در زبان کشمیری و بررسی میزان نفوذ زبان فارسی در عناصر و ساخت‌های دستوری این زبان برای تبیین دقیق‌تر ماهیت و میزان نفوذ زبان فارسی در زبان کشمیری انجام گرفته است.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

جستار حاضر، حاصل پژوهش‌های میدانی و مصاحبه با گویشوران بومی گونهٔ کِشتواری زبان کشمیری است که در سِری‌ناگَر، مرکز ایالت جامو کشمیر هند، رواج دارد. علاوه بر این، از پژوهش‌های پیشین (نک. پیشینهٔ پژوهش) بهره گرفته شده است. برای شناسایی وام‌واژه‌های زبان فارسی در زبان کشمیری معیارهایی همانند بی‌نظمی‌های آوایی یا صرفی، آواشناسی غیر متعارف، ساخت واژه غیر معمول و معنای خاص واژه را در نظر گرفتیم. همچنین برای بررسی ساخت‌های دستوری زبان کشمیری- که از زبان فارسی به وام گرفته شده‌اند- از روش بررسی تغییرات خاص دستوری که براساس تغییرات درونی و درزمانی زبان کشمیری قابل توجیه نبودند، بهره گرفتیم و برای مطالعهٔ تغییرات آوایی وام‌واژه‌های زبان فارسی در زبان کشمیری به بررسی تطبیقی آوایی وام‌واژه‌ها پرداختیم. البته این نکته را نیز باید اضافه کرد که تأثیر زبان فارسی بر زبان کشمیری تنها مختص به وام‌واژه نبوده است؛ بلکه بر ژرف‌ساخت‌های زبان کشمیری، همانند ساخت دستوری نیز تأثیر گذاشته است که مجال پرداختن به آن در این مقاله نیست و نگارندگان امیدوارند در پژوهش‌های بعدی به این موضوع مهم نیز بپردازند.

۴. زبان کشمیری

زبان کشمیری که در گویش مردم کشمیر کَوشور[۱۰] گفته می‌شود، از گروه زبان‌های داردی از خانوادهٔ زبان‌های هندوایرانی است (Masica, 1991: 108)؛ اما وام‌گیری زبانی از زبان‌های هندوآریایی و ایرانی که در گذر زمان با آن‌ها در تماس بوده، باعث شده که این زبان ویژگی‌های زبان‌شناسی همانند آن‌ها را پیدا کند و در طبقه‌بندی زبانی میان زبان‌های هندوآریایی و ایرانی قرار گیرد. زبان کشمیری در درهٔ کشمیر و پیرامون آنجا در ایالت جامو و کشمیر هند رواج دارد و چهار میلیون نفر در آنجا بدان سخن می‌گویند. شمار چشمگیری از سخن‌گویان کشمیری در ایالت‌های دیگر هند زندگی می‌کنند. حدود صدهزار نفر در پاکستان به کشمیری سخن می‌گویند. از مهم‌ترین گویش‌های این زبان می‌توان به کِشتواری[۱۱]، پُگولی[۱۲] و رَمبَنی[۱۳] اشاره کرد. گویش معیار، گویشی است که در سری‌ناگر، مرکز ایالت جامو و کشمیر، رواج دارد که برای کتابت و آموزش به کار می‌رود[۱۴] (Koul, 2006: 82). سه نظام نوشتاری برای نگاشتن زبان کشمیری

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

رواج دارد. دلیل رواج این سه نظام نوشتاری گرایش‌های مذهبی متفاوت در این منطقه است. مسلمانان (که دارای ۹۵٪ جمعیت هستند) برای نوشتن زبان کشمیری از خط فارسی بهره می‌گیرند؛ اگرچه این خط مناسب نوشتن زبان کشمیری نیست؛ زیرا قادر به نشان دادن واکه‌های مختلف این زبان نیست. هندوهای کشمیری از نظام نوشتاری شاراد[۱۵] برای نوشتن و در کتاب‌های منتشرشدهٔ امروزی از خط دِوِناگری[۱۶] نیز استفاده می‌کنند.

۵. عناصر زبان فارسی در زبان کشمیری

همان‌گونه که گفته شد، آثار نفوذ زبان‌های ایرانی را می‌توان در زبان کشمیری پیش از گسترش اسلام در آن منطقه پیدا کرد؛ زیرا واژه‌هایی که شمار آن‌ها بسیار است، قبل از این‌که اسلام به دست عارفان ایرانی در آن سرزمین گسترش پیدا کند، وارد زبان کشمیری شده بود. با استقرار حکومت اسلامی در شمال غربی هند، در نیمهٔ نخست سدهٔ ۱۱م، واژه‌های عربی- فارسی وارد زبان هندی آن زمان شده بودند. در این مطالعه به بررسی وام‌گیری واژگانی همراه با تغییرات واجی واژه‌های فارسی در زبان کشمیری، تأثیر وندافزایی و واژگان مرکب، انتقال واژگان برای بیان مفاهیم گوناگون و تغییرات معنایی واژگان فارسی در کشمیری پرداخته شده است.

۵-۱. وام‌گیری واژگانی

بخش مهمی از گسترش دامنهٔ واژگان زبانی است که در نتیجهٔ برخورد دو زبان یا توسط یک زبان میانجی صورت می‌گیرد. زبان کشمیری همانند دیگر زبان‌های هندوآریایی، بیشتر واژگان خود را از زبان‌های سنسکریت، فارسی و انگلیسی گرفته است (Koul, 2012: 57)؛ اما واژه‌های زیادی را هم از زبان هندوآریایی آغازین حفظ نموده است. پیکرهٔ واژگانی این زبان عناصر بسیاری را از زبان‌های داردی، سنسکریت، پنجابی، فارسی و عربی در خود حفظ کرده است. واژه‌های عربی بیشتر از طریق زبان فارسی وارد زبان کشمیری شده‌اند؛ هرچند که این زبان به‌صورت مستقیم نیز واژه‌هایی را از زبان عربی وام گرفته است. زبان کشمیری مسلمانان با هندومذهبان تفاوت‌هایی دارد؛ زیرا گرایش‌های مذهبی در گزینش واژگان نیز مشهود است. مسلمانان بیشتر واژه‌های عربی و فارسی را در گفتار، آموزش و کتابت استفاده

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

می‌کنند. در این حوزه‌ها مردم هندومذهب کشمیر، بیشتر تمایل دارند از واژگان سنسکریت بهره بگیرند. به دلیل ارتباط طولانی‌مدت زبان فارسی و کشمیری، شمار واژه‌هایی که از زبان فارسی وارد زبان کشمیری شده است، بیش از زبان‌های دیگر است. این واژه‌ها کم‌کم در طول شش سده در همهٔ زمینه‌ها در این زبان راه پیدا کرده‌اند. این واژه‌ها را از دیدگاه سه سیاق[۱۷] مذهبی، تجاری و حقوقی می‌توان طبقه‌بندی کرد. گفتنی است واژه‌هایی که در بخش سیاق آورده شده، از مقالهٔ کول (2012) و از کتاب *تاریخ زبان و ادبیات کشمیری* نوشتهٔ ناجی منور و شفیع شوق استخراج شده است و واژه‌های ذکرشده در بخش معناشناسی، مطابق روشی که در بخش روش پژوهش گفته شد، از واژه‌نامه‌های زبان کشمیری استخراج شده است.

۵-۱-۱. سیاق

در رویکرد هالیدی[۱۸]، سیاق به‌گونه‌ای زبانی گفته می‌شود که با بافت موقعیتی رابطه دارد و از سه مؤلفهٔ موضوع، شیوه و عامل/ عاملانِ سخن تشکیل شده است. در تعریف دیگر می‌توان گفت که سیاق به‌گونه‌ای از زبان اطلاق می‌شود که مربوط به ویژگی‌های گفتمانی کلام یا متن است. از انواع سیاق می‌توان به سیاق اداری، روزنامه‌ای، ورزشی، علمی، تجاری، ادبی و بسیاری از حرفه‌ها و تخصص‌ها اشاره کرد (Biber & Conrad, 2009: 47). کول (2012) وام‌واژه‌های فارسی در زبان کشمیری را با رویکرد سیاق در سه بخش ساماندهی کرده است؛ اما این بخش‌بندی فقط جنبهٔ کاربردی هم‌زمانی دارد. با توجه به پیشینهٔ طولانی پیوند زبان فارسی و کشمیری لازم است که وام‌واژه‌ها از لحاظ معناشناسی تاریخی و تحولات معنایی نیز بررسی شوند تا بسیاری از نکات مبهم این پیوند تاریخی آشکار شود. در زیر، نمونه‌هایی از واژه‌هایی آورده شده است که در سه سیاق ذکرشده در کشمیری از فارسی اخذ شده است. ناگفته نماند که دسته‌بندی سیاق‌ها براساس دسته‌بندی کول (2012) آورده شده است:

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

۵-۱-۲. سیاق مذهبی[۱۹]

فارسی	کشمیری	معنی واژه در کشمیری
قبر	Kabar	قبر
تعویذ	Təvis	طلسم/ سِحر
خدا	khɔdā	خدا
درگاه	Dargāh	زیارتگاه، آرامگاه
رشوه	Rišvath	رشوه

۵-۱-۳. سیاق حقوقی[۲۰]

فارسی	کشمیری	معنی واژه در کشمیری
عداوت	Adāvath	دشمنی
متحد	Mutihid	متحد
مدعی	Mudayī	مدعی
مقام	Mukām	مقام

۵-۱-۴. سیاق تجاری[۲۱]

فارسی	کشمیری	معنی واژه در کشمیری
قرض	Karzi	قرض
تجارت	tijārath	تجارت
مال‌دار	māldar	ثروتمند
کرایه	kirāyi	کرایه
خسارت	khsāryi	زیان

۵-۲. معناشناسی

علاوه بر طبقه‌بندی سیاقی وام‌واژه‌های فارسی در زبان کشمیری، می‌توان آن‌ها را از دیدگاه معناشناسی نیز مورد بررسی قرار داد. معناشناسی زبانی به دنبال مطالعهٔ علمی و روشمند معنا است و روابط مفهومی از قبیل شمول معنایی، چندمعنایی و تقابل معنایی و هم‌معنایی- که بیانگر روابطی در نظام معنایی زبان، میان معانی و مفاهیم واژه‌ها است (Katz, 1979: 360)-

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

مورد توجه قرار می‌گیرد. بسیاری از واژه‌های فارسی در کشمیری با همان معنای خویش رایج هستند و دچار تغییرات معنایی نشده‌اند:

فارسی	کشمیری	معنی واژه در کشمیری
تاب	Tāb	تاب و تحمل
گماشته	gumāšti	نماینده
گناه	gɔnāh	گناه
پاک	Pāk	پاک، ناب

تحولات معنایی در واژگان زبان به صورت‌های گوناگونی در دو حوزهٔ علت‌های اجتماعی و روان‌شناختی همچون تخصیص معنایی[۲۲]، توسیع معنایی[۲۳] و تغییر معنایی[۲۴] رخ می‌دهد (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۹۵). در ادامه، وام‌واژه‌های زبان فارسی از دیدگاه رویکرد هم‌زمانی در حوزهٔ معناشناسی در سه حوزهٔ تخصیص معنایی، توسیع معنایی و تغییر معنایی مورد بررسی قرار گرفته است.

۵-۲-۱. تخصیص معنایی

نوعی از تغییر معنایی است که در آن معنی واژه محدودتر و اختصاصی‌تر می‌شود؛ به عبارت دیگر از فراخنایی پهناور به تنگنایی کم‌دامنه می‌رسد. یا می‌توان گفت در روند دگرگونی معنایی به فرجام خویش می‌رسد (صفوی، ۱۳۷۹: ۱٤۹).

فارسی	کشمیری	معنی واژه در کشمیری
محل	Məhal	قصر
فقیر	Phaqir	گدا
آب‌گوشت	ābgoš	آبگوشت
کرسی	Kuris	صندلی

گفتنی است این تخصیص یا محدود شدن حوزهٔ معنایی ممکن است در زبان فارسی رایج امروز ایران نیز پیش یا پدید آمده باشد: مثل گدا و آبگوشت.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

۵-۲-۲. توسیع معنایی

فرآیندی است که با عنوان تعمیم معنایی نیز شناخته می‌شود و در آن معنی واژه گسترده‌تر یا فراگیرتر از معنای پیشین خود می‌گردد. شماری از واژه‌ها پس از پیوند با مفهومی خاص، می‌تواند با گذشت زمان، با مفاهیمی که با مفهوم نخست در فضای مفهومی مشترکی جای می‌گیرند، پیوند برقرار کند و معنی خویش را گسترش دهد (همان: ۱۵۲).

فارسی	کشمیری	معنی واژه در کشمیری
قد	Kad	ارتفاع
درگاه	dargāh	زیارتگاه، آرامگاه
عدالت	adālath	دادگاه
درج	Darij	شامل

۵-۲-۳. تغییر معنایی

تغییر معنایی می‌تواند ناشی از شکل‌گیری مصداق‌ها یا مفاهیم جدید به دلیل تغییرهای علمی، سیاسی و یا فرهنگی و اجتماعی- که بر درک ما از ابزارها، مردم، مفاهیم و مانند آن تأثیر می‌گذارد- و یا دلایل تاریخی باشد. همچنین تغییر می‌تواند به دلیل تغییر زبان‌های دیگری که این زبان با آن‌ها در تماس است، به وجود بیاید (بختیاری، ۱۳۸٤: ۱۲٤).

فارسی	کشمیری	معنی واژه در کشمیری
آبادی	ābə̃di	جمعیت
زر	zar	پول[۲۵]
گلاب	gɔlāb	گل سرخ

۵-۳. تغییرات واجی

وام‌گیری واجی و آوایی پدیده‌ای چندان معمول نیست و هنگامی اتفاق می‌افتد که شمار افراد دوزبانهٔ گویشوران زبانِ وام‌دهنده و گویشوران زبان وام‌گیرنده بسیار زیاد باشد (Silva-Corvalan, 1994: 108). با توجه به این‌که زبان فارسی هشت سده در سرزمین کشمیر، زبان

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

درباری و رسمی بوده و شمار سخن‌گویان هر دو زبان فارسی و کشمیری فراوان بوده است، وام‌گیری واجی چندان دور از انتظار نیست. واژگان فارسی برای هماهنگ‌شدن با ویژگی‌های نظام واجی و آوایی زبان کشمیری تحولات واجی گوناگونی را در زبان کشمیری پشت سر گذاشته‌اند. برخی از تحولات و دگرگونی‌های واجی واکه‌ها و همخوان‌ها در زیر به‌اختصار بررسی شده‌اند.

۵-۳-۱. تغییرات واکه‌ای

تغییرات آوایی زیر در واژگانی که از زبان فارسی وارد زبان کشمیری شدند، رخ داده است.

۵-۳-۱-۱. در عناصر وام‌گرفته‌شده از زبان فارسی، پدیدهٔ میان‌هشت واکه‌ای[۲۶] باعث شکسته شدن خوشه‌های همخوانی در هجای پایانی واژه‌ها شده است؛ زیرا در زبان کشمیری در پایان واژه، خوشهٔ همخوانی قرار نمی‌گیرد (Kak et al., 2008: 118).

فارسی: darj درج > کشمیری: darij «شامل».

فارسی: برگ barg > کشمیری: bərig «برگ».

۵-۳-۱-۲. واکهٔ افتاده میانی /a/ به واکهٔ مرکزی و نیم‌باز /ə/ تغییر یافته است.

فارسی: barg برگ > کشمیری: bərig «برگ».

فارسی: maḥal محل > کشمیری: məhal «قصر».

۵-۳-۱-۳. اگر واکهٔ پسین کشیده /ā/ پیش از یک همخوان و واکه /i/ قرار گرفته باشد، به واکهٔ پسین /ə̃/ تحول می‌یابد.

فارسی: ābādi آبادی > کشمیری: ābə̃di «جمعیت».

فارسی: tārik̲ تاریخ > کشمیری: tərikh «تاریخ».

۵-۳-۱-۴. واکه‌های پیشین /i’و/ e’/ در ابتدای واژه به /ye/ و yi// تغییر یافته‌اند.

فارسی: e’tebār اعتبار > کشمیری: yētibār «باور و عقیده».

فارسی: i’ntezār انتظار > کشمیری: yēntizār «منتظر، چشم‌به‌راه ».

فارسی: e’zat عزت > کشمیری: yēzat «احترام».

۵-۳-۱-۵. واکهٔ پسین افراشته /o/ به واکهٔ پسین /ɔ/ تحول یافته است.

فارسی: k̲odā خدا > کشمیری: khɔdāh «خدا».

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

فارسی: gonāh گناه > کشمیری: gɔnāh «گناه».

۵-۳-۱-۶. در ابتدای واژه، واکهٔ افراشته / o/ به /vɔ/ تغییر یافته است.

فارسی: ʾostād استاد > کشمیری: vɔstād «استاد/».

فارسی:ʾomid امید > کشمیری: vɔmēd «امید» (نک. شیراز، ۱۹۹۷: ۱۸).

۵-۳-۱-۷. واکهٔ /ō/ جایگزین واکهٔ مرکب / ow/ شده است.

فارسی: mowqe موقع > کشمیری: mōki «فرصت».

فارسی: dowr دور > کشمیری: dōr «دور، دوره».

۵-۳-۱-۸. در برخی از بافت‌های هجایی، کاهش واکه‌ای[۲۷] رخ داده است. برای نمونه در واژهٔ زیر واکهٔ /i/ حذف شده است:

فارسی: /arizanevis/ «عریضه‌نویس» > کشمیری: arzānavis «عرضه‌نویس».

۵-۳-۲. تغییرات همخوان‌ها

تغییرات همخوانی زیر در واژه‌هایی که از زبان فارسی وارد زبان کشمیری شده‌اند، روی داده است.

۵-۳-۲-۱. همخوان انسدادی کامی /k/ جایگزین همخوان نرم‌کامی انسدادی /q/ شده است.

فارسی: qad قد > کشمیری: kad «ارتفاع».

فارسی: qarār قرار > کشمیری: karār «استراحت».

۵-۳-۲-۲. همخوان سایشی کامی /x̲/ به همخوان چاکنایی کامی انسدادی /kh/ تحول یافته است.

فارسی: x̲āṣṣ خاص > کشمیری: khaās «خاص، ویژه».

فارسی: x̲ām خام > کشمیری: khām «خام».

۵-۳-۲-۳. همخوان واکدار کامی سایشی /ğ/ به همخوان کامی انسدادی /g/تغییر یافته است.

فارسی: ğolām غلام > کشمیری: gɔlām «خدمتکار».

فارسی: bāğ باغ > کشمیری: bāg «باغ».

۵-۳-۲-۴. همخوان سایشی لبی-دندانی واکدار /f/ به همخوان بی‌واک دولبی دمیده/ph/

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

تحول یافته است.

فارسی: faḡīr فقیر > کشمیری: phaqir «گدا».

۵-۳-۲-۵. همخوان بی‌واک انسدادی دندانی غیر دمیده /t/ به همخوان انسدادی دندانی دمیده /th/ تحول یافته است.

فارسی: ḡalaṭ غلط > کشمیری: galath «غلط، اشتباه».

فارسی: ādat‘ عادت > کشمیری: adath «عادت».

۵-۳-۲-۶. همخوان بی‌واک کامی انسدادی غیر دمیده /k/ به همخوان انسدادی کامی دمیده /kh/ تغییر پیدا کرده است.

فارسی: pāk پاک > کشمیری: pākh «ناب».

فارسی: nāzok نازک > کشمیری: nōzukh «ظریف».

۵-۳-۲-۷. همخوان واکدار دندانی انسدادی دمیده /d/ در واژهٔ زیر به‌عنوان میان‌هشت همخوانی[۲۸] اضافه شده است.

فارسی: barābari برابری > کشمیری: barābdari «برابری و یکسانی».

فارسی: tanur تنور > کشمیری: tandūr[۲۹] «تنور».

و در واژهٔ زیر همخوان دولبی انسدادی واکدار /b/ اضافه شده است؛ البته همخوان /b/ بعد از همخوان دولبی خیشومی /m/ افزوده می‌شود. این پدیدهٔ واجی در زبان کشمیری بسیار رایج است و نه‌تنها در حوزهٔ واژگان قرضی فارسی رخ نداده است، بلکه در دیگر وام‌واژه‌ها و واژه‌های اصیل کشمیری هم همخوانی به‌عنوان میان‌هشت افزوده می‌شود.

فارسی: kamar کمر > کشمیری: kambar «کمر».

۵-۳-۲-۸. هنگامی‌که همخوان /t/ انسدادی دندانی غیر دمیده پیش از همخوان /s/ سایشی نرم‌کامی قرار بگیرد، حذف می‌شود. این پدیده را می‌توان کاهش خوشهٔ همخوانی[۳۰] نامید.

فارسی: mast مست > کشمیری: mas «مست».

فارسی: zabardast زبردست > کشمیری: zabardas «قوی».

فارسی: ābgušt آبگوشت > کشمیری: ābgoš «آبگوشت گوساله».

گاهی مواقع، همخوانی که در انتهای واژه قرار گرفته حذف می‌شود؛ همانند:

فارسی: konj کنج > کشمیری: ku:n «گوشه».

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

۵-۳-۲-۹. آخرین همخوان که پیش از /ī/ قرار می‌گیرد, به یک همخوان کامی تغییر می‌یابد و /ī/ سپس حذف می‌گردد.

فارسی: bāzi بازی > کشمیری: bə̃z «بازی» .

فارسی: korsi کرسی > کشمیری: kuris «صندلی».

خوشهٔ همخوانی /xw/ فارسی آغازی بازماندهٔ /xw/ فارسی میانه است. فارسی باستان نیز این خوشهٔ همخوانی را از /huv/ فارسی باستان به ارث برده است (طاهری، ۱۳۸۹: ۷۳). سیر تحول این خوشهٔ همخوانی را می‌توان از ایرانی آغازین تا فارسی نو و ورود آن به کشمیری به‌صورت زیر نشان داد:

ایرانی آغازین: /hu̯*/ < فارسی باستان: /huv/ < فارسی میانه: /xw/ < فارسی آغازی: /xw/ < فارسی نو: /x/ / /xo/ < کشمیری: /x/

در این زمینه یک اشتباه و ایراد دیگری که می‌توان از آقای کول گرفت، این است که وی (2011) گفته است اگر همخوان دولبی نیم‌واکهٔ /v/ فارسی پس از همخوانی قرار گیرد، حذف خواهد شد. با توجه به مثال‌هایی[۳۱] که از زبان فارسی آورده، می‌توان پی برد که این همخوان به‌اصطلاح «واو معدوله» است که صورتی تحولی یا املای تاریخی دارد که در زبان فارسی نو تلفظ نمی‌شود. این خوشهٔ همخوانی /x^{v}/ در فارسی آغازی تلفظ می‌شده است، اما خوشهٔ همخوانی /x^{v}/ فارسی آغازی در فارسی نو به‌صورت‌های زیر (پاورقی) درآمده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۱: ۲۶).

۵-۴. وام‌گیری دستوری

وام‌گیری عناصری از زبان فارسی و ترکیب آن با همکردهای کشمیری، یکی از شیوه‌های وام‌گیری است که موجب گسترش واژگان زبان کشمیری شده است (Silva-Corvalan, 1994: 83). وام‌گیری دستوری نسبت به وام‌گیری واژگانی، بسامد پایین‌تری دارد. گاهی الگوی دستوری و گاهی عامل دستوری از زبانی به زبان دیگر انتقال می‌یابد. دستور زبان به‌آسانی الگوهای دستوری زبان دیگر را در نظام دستوری خویش نمی‌پذیرد و این نوع وام‌گیری مستلزم ایجاد پیوندها و روابط بلندمدت و پیوستهٔ میان دو جامعهٔ زبانی و با نفوذ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یکی بر دیگری است (Matras, 1998: 287). وام‌گیری دستوری

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

واژه‌ها از نظر ساختمان به انواع ساده (بسیط)، مرکب، مشتق و مشتق مرکب تقسیم می‌شوند؛ اما در فرآیند وام‌گیری، گاه این ساختمان دچار تغییر می‌شود و عنصر قرضی می‌تواند در زبان مقصد به گونه‌های متفاوتی همانند موارد زیر ظاهر شود. (در این بخش پیشوندها و پسوندهای دستوری از کتاب *دستور زبان فارسی جلد ۱* نوشتهٔ انوری و گیوی (۱۳٦۷) استخراج شده است). تأثیر ساخت‌واژهٔ فارسی بر کشمیری به دو روش **وندافزایی** و **ترکیب** بوده است.

۵-۴-۱. وندافزایی

یکی از شیوه‌های واژه‌سازی زبانی در حوزهٔ ساخت‌واژه و در بخش اشتقاق وندافزایی است که در آن یکی از وندها به درون یک واژهٔ ساده افزوده می‌شود و یک واژهٔ جدید ساخته می‌شود. وندها تک‌واژهای وابسته‌ای هستند که به‌تنهایی و مستقل به کار نمی‌روند. وندها از نظر محل قرار گرفتن‌شان نسبت به پایه واژه به سه گروه پیشوند، پسوند و میانوند تقسیم می‌شوند. از آن جهت که زبان فارسی به معنی مصطلح در بین زبان‌شناسان فاقد میانوند[۳۲] است (کلباسی، ۱۳۷۱: ۲٤)، بنابراین بررسی تأثیر وندافزایی فارسی بر کشمیری تنها در پسوندافزایی و پیشوندافزایی خواهد بود (Kahnemuyipour, 2000: 33-34).

۵-۴-۱-۱. نمونه‌هایی از پیشوندهای فارسی که به واژگان کشمیری افزوده شده‌اند:

پیشوندهای فارسی	پایهٔ کشمیری	کشمیری	معنی واژه در کشمیری
بی	Buj	bebuj	بی‌وارث/ بی‌نشان
بی	Som	besom	ناهموار
بی	Mādech	bemādech	بی‌حیا
بی	Sokh	bisokh	بی‌آرام

همان‌گونه که در بخش پیشینهٔ پژوهش گفته شد، کول (2011) عناصر زبان فارسی را در زبان کشمیری بررسی کرده است؛ اما او به‌اشتباه دو واژهٔ «هر» و «کم» فارسی را به‌عنوان پیشوند آورده است. از آنجا که این دو واژه در زبان فارسی تک‌واژهای مستقلی هستند باید در بخش ترکیب واژگان گنجانده شوند.

فارسی: هر > کشمیری: harkāh = har- + kāh «هرکسی».

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

فارسی: کم > کشمیری: kamzān = kam- + zān «کسی‌که دانش کمی دارد».

۵-۴-۱-۲. همچنین پسوندهای فارسی به عناصر واژگانی کشمیری پیوند خورده‌اند.

فارسی: دار-: مادهٔ مضارع از مصدر «داشتن» > کشمیری: -dār + -ləṭ’ = ləṭdār «دم‌دار».

۵-۴-۱-۳. پسوندهای کشمیری به واژگان پایهٔ فارسی افزوده شده‌اند[۳۳].

پسوندهای کشمیری	پایهٔ فارسی	کشمیری	معنی واژه در کشمیری
-as	میز	mēzas	روی میز
-an	غریب	gariban	در بیچارگی
-pət	شام	šāmpət	شام‌گاهان
Tal	نظر	nazrital	تحت نظر
-vōl	دکان	dukānvōl	مغازه‌دار
-gor	نقشه	nakshigor	نقشه‌کش

۵-۴-۱-۴. نمونه‌هایی از پسوندهای فارسی که به واژگان پایهٔ کشمیری پیوند خورده‌اند[۳۴].

پسوندهای فارسی	پایهٔ کشمیری	کشمیری	معنی واژه در کشمیری
چی	طبل	Tabalči	طبل‌زن، طبل‌چی
چی	افیم	Afimči	معتاد به تریاک
گی	بدماش	Badmāšgi	سرکشی
باز	چال	Cālbāz	حیله‌گر
مند	دولت	Dōlatmand	ثروتمند

۵-۴-۲. ترکیب[۳۵]

هر زبانی قواعد ویژه‌ای برای ساخت ترکیب‌ها دارد. در زبان فارسی هر ترکیبی از دو (یا چند) جزء ساخته می‌شود که یکی از آن‌ها دیگری را توصیف می‌کند؛ جزء توصیف‌کننده می‌تواند اسم، صفت یا یک عبارت قیدی باشد و جزء دوم که بدین‌صورت توصیف می‌شود؛ اسم، صفت و یا مادهٔ فعلی خواهد بود (لازار، ۱۳۸٤: ۳۰۸). در زبان کشمیری علاوه بر به‌کارگیری قواعد خاص برای ساخت‌واژه‌های ترکیبی، از بن‌واژه‌های فارسی هم در این ساخت‌ها بهره گرفته شده است.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

۵-۴-۲-۱. بن‌واژه‌های فارسی به‌عنوان عنصر دوم سازندهٔ ترکیب به کار رفته است[۳۶]:

بن‌واژه‌های فارسی	کشمیری	کشمیری	معنی واژه در کشمیری
آتش	Tsok	Tsokātaš	بسیار ترش
جان	Zou	Zoujān	جان و دل
پوشاک	Palu	paluvpušāk	لباس
سیاه	Kerhon	Kerhonsiāh	سیاه سیاه
رواج	rith	Rithrivāj	رسم

دوگان‌سازی یک پدیدهٔ زبانی جهانی است که برخی از انواع آن در همهٔ زبان‌ها دیده می‌شوند و برخی دیگر تنها در برخی زبان‌ها مشاهده می‌گردد (امینی، ۱۳۹۳: ٤٦).

این ساخت‌ها، نوعی از فرآیند تکرار یا دوگان‌سازی به شمار می‌روند؛ اما با هیچ‌کدام از تعریف‌های ارائه‌شده در مورد فرآیند تکرار مطابقت ندارند؛ زیرا فرآیند تکرار یا دوگان‌سازی فرآیندی ساخت‌واژی است که در اثر عملکرد آن، بخشی از پایه یا کل آن مضاعف می‌شود (Haspelmath,2001: 29). اما ساخت‌های بالا شامل دو واژهٔ متفاوت از دو زبان متفاوت (بخش نخست، کشمیری و بخش دوم، فارسی) با معنای مشابه هستند که احتمالاً به قیاس با ساخت‌های دیگر دوگان‌سازی ساخته شده‌اند.

۵-۴-۲-۲. در زیر نمونه‌هایی از بن‌واژه‌های فارسی به‌صورت عنصر نخست سازندهٔ ترکیب به کار رفته است:

فارسی: بخت > کشمیری: bakhtibod = bakhti + bod «خوش‌شانس».

فارسی: دین > کشمیری: dindarim = din + darim «ایمان».

فارسی: موم > کشمیری: mōmbət = mōm + bət «شمع».

۶. نتیجه‌گیری

ارتباط بین کشمیر و ایران هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ فرهنگی از گسترش و عمقی فراوان برخوردار بوده است و وام‌گیری واژگان از زبان فارسی به پختگی و باروری زبان

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

کشمیری افزوده است و در بیان مفاهیم و توصیف پدیده‌های گوناگون باعث غنای بیشتر زبان گردیده است. دلایل اصلی ورود واژه‌ها و عناصر زبانی فارسی در زبان کشمیری، روابط فرهنگی و سیاسی بوده که در این سده‌های طولانی وجود داشته است. .مهم‌تر از آن، بسیاری از واژه‌ها نه به‌تنهایی، بلکه همراه مشتق‌ها و ترکیب‌های خود در زبان کشمیری به کار رفته‌اند و در ساخت واژگان، نظام آوایی و ساخت دستوری در کشمیری تأثیر گذاشته‌اند. همچنین در طول این سده‌های طولانی برخی واژگان فارسی و عربی واردشده در زبان کشمیری دچار تغییرات معنایی همانند تخصیص و توسیع معنایی و یا دگرگونی معنایی شده و از مفهوم و مصداق نخستین خود در زبان مبدأ دور شده‌اند. علاوه بر این، وام‌واژه‌های فارسی و عربی در زبان کشمیری برای تناسب یافتن با نظام آوایی زبان کشمیری دچار تحول و دگرگونی آوایی شده‌اند و از تلفظ نخستین خود در زبان وام‌دهنده فاصله گرفته‌اند. در بخش دستور زبان امروزی زبان کشمیری، واژه‌سازی زبان با وندافزایی و ترکیب، تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته است؛ در برخی از واژه‌های کشمیری پسوندهایی از فارسی افزوده شده است و یا برخی از واژه‌های فارسی با پسوندهای کشمیری ترکیب شده است. نوآوری پژوهش در این نکته نهفته است که مطالعات پیشین که به بررسی وام‌گیری زبان کشمیری از زبان فارسی پرداخته‌اند، تغییرات معنایی وام‌واژه‌های زبان فارسی در زبان کشمیری را مورد بررسی قرار نداده‌اند، اما در این پژوهش تغییرات معنایی وام‌واژه‌ها همراه با مثال‌های مربوط به آن آورده شده است. همچنین برخی از عناصر دستوری در واژه‌سازی، همانند ساخت‌های شبیه به دوگان‌سازی- که پژوهشگران قبلی نادیده گرفته‌اند، در این پژوهش گنجانده شده است.

۷. پی‌نوشت‌ها

۱. **سیک** به معنای شاگرد، یک دین یکتاپرستی است که در سدهٔ پانزدهم میلادی به دست گورونانک در منطقهٔ پنجاب شبه‌قارهٔ هند بنیان نهاده شد و به دست ده‌گوروی پسین گسترش داده شد. این آیین با بیش از سی میلیون پیرو، پنجمین دین سازمان‌یافتهٔ جهان است (Singh, 2006: 15).

2. Hindu Pandits

3. Rajatarangini

واژهٔ راج‌ترنگینی به معنای «رودهای پادشاهان» است. این واژه نام کتابی است که در سدهٔ دوازدهم میلادی توسط برهمن پاندیت کلهن کشمیری در زمینهٔ وقایع تاریخی پادشاهان شمال غرب هند، به‌ویژه کشمیر به زبان سنسکریت و به شعر نوشته شده است. این اثر در زمان پادشاهی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

زین‌العابدین شاهمیری به فارسی برگردانده شده است و عنوان فارسی آن «بحرالاسمر» است (Stein, 2007: 15, 28).

٤. یکی از ایالت‌های امیرنشین پاکستان.

5. Sir George Abraham Grierson (1851-1941)
6. Pisaca languages
7. George Fraser Black (1866-1948)

٨. (Braj B Kachru 1932 in Srinagar, Kashmir, India) استاد بازنشستهٔ زبان‌شناسی دانشگاه ایلی نوی.

9. Omkar N. Koul (1941) زبان‌شناس هندی

10. kəːśur / kəːśir
11. Kishtwari
12. Poguli
13. Rambani

١٤. از آن جهت که گویش‌های پوگولی و رمبنی تحت تأثیر زبان دوگری (از خانوادهٔ زبان‌های هندوآریایی) بوده‌اند و همچنین گویش مناطق روستایی با مناطق شهری تفاوت‌هایی دارد، گویشی که در این پژوهش مورد نظر نویسندگان بوده، گویشی سِری‌ناگَری است.

١٥. Sarada script نظام نوشتاری شارادا در گذشته برای نوشتن زبان سنسکریت نیز کاربرد داشته است؛ اما امروزه تنها برای نوشتن زبان کشمیری به کار می‌رود ولی در کتابت از آن استفاده نمی‌شود. این خط در سدهٔ هشتم میلادی از خط گوپتا در شمال هند مشتق شده است.

١٦. Devanāgarī: واژه‌ای از زبان سنسکریت است؛ deva در معنای «خدا» و nāgarī «خط شهر» که روی‌هم‌رفته به معنای «خط شهر خدا» است. این نظام نوشتاری برای نوشتن زبان سنسکریت، پراکریت، هندی، مراتی و نپالی به کار رفته است. از نظام‌های نوشتاری گوپتا در شمال هند و براهمی مشتق شده است. این خط ترکیبی از الفبا و هجانگار است.

17. Register
18. Michael Alexander Kirkwood Halliday (born 1925)
19. religious register
20. juridic register
21. commercial register
22. narrowing
23. widening
24. semantic change
25. Money

٢٦. Anaptyxis: میان‌هشت در زبان فارسی به دو گونهٔ *میان‌هشت همخوان* و *میان‌هشت واکه* بروز می‌یابد. در زبان فارسی فرآیند میان‌هشت همخوان، فرآیندی اجباری برای تبدیل ساخت هجایی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

نامطلوب به ساخت مطلوب است و با کاربرد ده همخوان، بنا بر شرایط ساخت‌واژی، نحوی و آوایی میان دو واکه صورت می‌گیرد. اما میان‌هشت واکه در واژه‌های فارسی اصیل، فرآیندی اختیاری و سبکی است که برای آسانی تلفظ و خوش‌آهنگی به کار می‌رود. این فرآیند در واژه‌های قرضی برای شکستن خوشهٔ همخوانی آغاز واژه به کار می‌رود تا ساخت‌واژه منطبق بر قواعد هجاآرایی زبان فارسی شود. (نک. عباسی، زهرا (۱۳۹۳). «فرآیند «میان‌هشت» در زبان فارسی: بافت آوایی یا شرایط ساخت‌واژی». ***جستارهای زبانی***. د ۵. ش ۳ (پیاپی ۱۹). صص ۱۱۷– ۱٤٥).

27. vowel reduction
28. excrescence

۲۹. tandūr Tanur : در خراسان نیز رایج است : تنور با تلفظ «تندور»

30. cluster reduction

۳۱. مثال های همخوان دولبی نیم‌واکهٔ /v/ فارسی:

الف. فارسی آغازی: /xv/ پیش از واکه‌های کشیده ā و ē > فارسی نو: /k̲/

فارسی آغازی: xvāhar > فارسی نو: k̲āhar «خواهر».

فارسی آغازی: xvāb > فارسی نو: k̲āb «خواب».

فارسی آغازی: xvāstan > فارسی نو: k̲āstan «خواستن».

فارسی آغازی: xvēš > فارسی نو: k̲tš «خویش».

فارسی آغازی: /xva/ > فارسی نو: /k̲o/

فارسی آغازی: xvad > فارسی نو: k̲od «خود».

32. Infix
33. Kashmiri suffixes added to Persian Lexemes
34. Examples of Persian suffixes to Kashmiri lexemes

۳۵. ترکیب در زبان‌شناسی، بن‌واژه‌ای است که بیش از دو ستاک دارد و فرآیندی از ساخت‌واژه است که بن‌واژه‌های ترکیبی را به وجود می‌آورد. معنای این بن‌واژهٔ مرکب ممکن است تفاوت بسیاری با معناهای عناصر سازنده‌اش داشته باشد (Matthews, P.H,1991).

36. Persian Stems as Second Element of Compounding

۸. منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۱). ***دستور تاریخی زبان فارسی***. تهران: سمت.
- امینی، رضا (۱۳۹۳). «دوگان‌سازی در زبان ترکی». دوماهنامهٔ ***جستارهای زبانی***. د ۵. ش

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

۳ (پیاپی ۱۹). صص ۲۷-٥٤.

- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳٦۷). ***دستور زبان فارسی*** (ج ۱). تهران: فاطمی.
- بختیاری، رحمان (۱۳۸٤). «درآمدی بر معنی‌شناسی تاریخی». مجلهٔ ***مطالعات ایرانی***. س ٤. ش ۷. صص ۱۱٥-۱۳۰.
- پیرغلام، حسن (۱۳۷۹). ***تاریخ حسن***. ج ۲. کشمیر: سازمان تحقیق و اشاعات سری‌ناگر.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۸٥). ***کشمیر، ایران صغیر***. تهران: مرکز آفرینش‌های فرهنگی.
- سبحانی، توفیق (۱۳۷۷). ***نگاهی به تاریخ و ادب فارسی در هند***. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹). ***درآمدی بر معنی‌شناسی***. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۸۹). «تحول-hų ایرانی باستان در گویش‌های ایرانی». ***زبان‌شناخت***. ش ۲. صص ۷۱-۸٦.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۱). ***ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز***. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸٤). ***دستور زبان فارسی معاصر***. ترجمهٔ مهستی بحرینی. تهران: هرمس.
- ناجی منور و شفیع شوق (۱۳۹۱). ***تاریخ زبان و ادب کشمیری***. کشمیر: علی‌محمد سنز.
- شیراز مجلهٔ دو ماهه (۱۹۹۷). جلد ۳۱. ش ۱. کشمیر: آکادمی فرهنگی و هنر کشمیر.

References:

- Abolghasemi, M. (1996). *A Historical Grammar of the Persian language,* Tehran: SAMT [In Persian].
- Amini, R. (2014). "Reduplication in Turkish language*" Bimonthly "Jastarhaye Zabani*" Vol.5. No.3 (Successive 19). Pg No. Pp27-54.Tehran [In Persian].
- Anwari, H. & H. Ahmad Ghevi (1988). *Grammar of the Persian language*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Bakhtiyari, R. (2005). "Introduction to Historical Semantics". *Journal of Iranian Studies*. Serial 4. No. 7. Pp. 115-130 [In Persian].
- Bamzai. N. K. Prithivi (1973). *A History of Kashmir. Political Social, Cultural, from*

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

the Earliest Times to the Present Day. 2nd ed. Delhi: Metropolitan Book Co*l.*

- Biber, Douglas & S. Conrad (2009). *Register, Genre and Style*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Black, G. F. (1916). *Romani and Dard*. New York: Public library.
- Grierson Abraham, G. (1906). *The Pisaca Languages of North-western India.* London: Royal Asiatic society.
- ---------- (1985). *A Dictionary of the Kashmiri Language: Compiled Partly from Materials Left by the Late Pandit Isvara Kaula*. India: D.K. Publishers Distributors.
- ---------- (2012). *A Dictionary of the Kashmiri Language: Compiled Partly from Materials Left by the Late Pandita Series*. No, Assisted by Mahamahopadhyaya Lab, forgotten books.
- Hadi, N. (1995). *Dictionary of Indo-Persian Literature*. New Delhi.
- Haspelmath, Martin. A. (2001). *Language Typology and Language Universals: An International Handbook* (Vol. 20). Berlin: Walter de Gruyter.
- Jettmar, K. (1991). "Chilas". *Encyclopaedia Iranica*. Vol. V. Fasc. 4. Pp. 401-403.
- Kachru. B. Braj (1969). *Kashmiri and Other Dardic Languages*. In Sebeok T A (ed). Current trends in Linguistics 5: linguistics in South Asia. Paris: the Hague museum.
- Kahnemuyipour, A. (2000). *On the Derivationality of some Inflectional Affixes in Persian*. Chicago*:* LSA.
- Kak. A.; A. Panzoo; F. Oveesa & M. Nazima (2008). "Phonological variation in Srinagar variety Of Kashmiri". *Nepalese Linguistics*. Vol. 23. Pp. 116-25.
- Kalbasi, I. (1992). *Construction of Derivative Word in the Modern Persian.* Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Katz. Jerold. J. (1979). *Semantics and Conceptual change*. MIT Press.
- Koul, N. Omkar & K. Wali (2002). *Kashmiri: A Cognitive-Descriptive Grammar (Descriptive Grammars)*. New York: Routledge.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

- Koul, N. Omkar & K. Wali (2006). *Modern Kashmiri Grammar*. Hayettsville, Md.
- Koul, N. Omkar & P. E. Hook (1984). *Aspects of Kashmiri Linguistics*. New Delhi: Bahri Publication Pvt. Ltd.
- Koul, N. Omkar (2012). "Kashmir IV. Persian Elements in Kashmiri". *Encyclopaedia Iranica*. Vol. XVI. Fasc. 1. Pp. 56-61.
- ---------- (2005). *Studies in Kashmiri Linguistics*. Delhi: Indian Institute of Languages.
- Lazar, J. (2005), *Modern Persian Literature*. Translated by: Mahasti Bahreini, Tehran, Hermes [In Persian].
- Masica, P. Colin (1991). *The Indo-Aryan Languages*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Matras, Y. (1998). "Utterance modifiers and universals of grammatical borrowing."*Linguistics*. 36. Pp. 281-331.
- Matthews, P.H. (1991). *Morphology*. 2nd edition. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Morgenstierne, G. (1941). *The Phonology of Kashmiri*. In Acta Orientalia. Vol. 1. Pp. 79-99. Based on a comparison of transcription systems used for Kashmiri vowels by Grierson, Bailey, Fifth, Stein, lmslie and Govind Kaul; the author discusses the inventory of Kashmiri vowels.
- Naji Monaver & Shafi Shough (2012). *The History of Kashmiri Language and Literature*. Kashmir, Ali Mohammad & sons Publishers [In Persian].
- Peer Gholam, H. (2000). *Hassan's History.* Vol.2. Kashmir, Research & Publications Center, Kashmir [In Persian].
- Radfer, A. (2006). *Kashmir, the Little Iran*. Tehran: Center for Cultural Innovations [In Persian].
- Safavi, K. (2000). *Introduction to Semantics.* Tehran : Islamic Propegation Organisation [In Persian].

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]

- *Shiraz, Bi-monthly Journal* (1997). Vol. 31. No. 1. pg No. 17-20. Kashmir. J. & K. Acadamey of Art, Culture & Languages [In Persian].
- Silva-Corvalan, C. (1994). *Language Contact and Change: Spanish in Los Angeles*. Oxford: Clarendon Press.
- Sims-Williams, N. (1989). *Sogdian and other Iranian Inscriptions of the Upper Indus* I. Corpus Inscriptionum Iranicarum, London.
- Singh, Kh. (2006). *The Illustrated History of the Sikhs*. India: Oxford University Press.
- Sobhani, H. (1999). *The History of Persian Literature in INDIA at a Glance*. Tehran. The counsel for expansion of Persian literature [In Persian].
- Stein, M. A. (Tr.) (2007). *Kalhana's* Rajatarangini*: A Chronicle of the Kings of Kashmir* 1-3 (Reprint ed.). Srinagar, India: Saujanya Books.
- Taheri, E. (2010). *Development of Ancient Iranian hu̯- in Iranian dialects.* Linguistic. No. 2 .Pp. 71-86 [In Persian].
- Weber. S. (2012). "Kashmir. Persian Language in Kashmir". *Encyclopaedia Iranica.* Vol. XVI. Fasc. 1. pp. 51-54.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.2.5.5]